

افسیان

بخش بیست و هفتم

برادر فیروز خانجانی

کلیسای ایران

بهار ۱۴۰۱

این کتابچه مخصوص مسیحیان است.

خدا را شکر بابت این مشارکت و اینکه می‌توانیم از کلام خداوند بشنویم. سپاسگزاریم به خاطر آنچه خدا در گذشته انجام داده، آنچه امروز انجام می‌دهد و آنچه در آینده برای ما که فرزندان هستیم، انجام می‌دهد. با نگاه به گذشته می‌بینیم که برخلاف بسیاری از فشارها کلام خداوند چنانکه باید، پیش رفته و می‌رود. از این بابت شکرگزاریم و ایمان داریم که در آینده‌ای نزدیک برای ملاقات با خداوندمان عیسی مسیح آماده می‌شویم. این زیباترین رخدادی است که می‌توان انتظارش را کشید. خدا را شکر به خاطر فیض و نیکویی‌هایی که نسبت به ما روا می‌دارد و به خاطر بخشش‌هایی که به کلیسا و تکاتک فرزندان خود عطا می‌نماید.

در بیست و هفتمین جلسه‌ی بررسی رساله افسسیان، در ادامه‌ی بررسی آیه‌ی ۲۳ باب ۱، به کیفیت تجلی‌ی تام قدرت خدا در کلیسا و در خدمت هر یک از اعضای کلیسا خواهیم پرداخت. در جلسه‌ی پیش در خصوص کلیسا به عنوان بدن مسیح صحبت کردیم. دیدیم که کلیسا پاره‌ای از تن مسیح است یعنی بخشی از وجود کلام خدا. هنگام صحبت از کلیسا باید به یاد داشته باشیم که کلیسای عیسی مسیح به هیچ عنوان از وی جدا نیست و رابطه‌ی ویژه‌ای میان عیسی و کلیسا حکمفرماست.

همچنین به این موضوع پرداختیم که مسیح پس از صعود و ورود به پیشگاه الهی، قربانی بدن خود را تقدیم کرد و سپس روح‌القدس همچون آتش بر کلیسا فرود آمد. پس درک درست جایگاه و رابطه‌ی بین عیسی با کلیسایش به ما کمک می‌کند تا نگرش درستی نسبت به بسیاری از موضوعات داشته باشیم. چنانچه عمیقاً درک کنیم که با مسیح یک هستیم، با توجه به اینکه عیسی مسیح در آسمان است، آنگاه نگاه ما نسبت به بسیاری از مسائل متفاوت و آسمانی خواهد بود. رساله‌ی افسسیان در تبیین رابطه‌ی میان مسیح و کلیسا یادآوری می‌کند که مسیح سر است. «سر» در زبان یونانی به معنی «رئیس» است. حتی در بسیاری از زبان‌ها زمانی که صحبت از «سر» است بحث ریاست مطرح است.

با در نظر گرفتن این مهم که مسیح سر است و کلیسا بدن وی، پس کلیسا باید از همان جنس باشد یعنی از جنس کلام خدا. پولس می‌گوید به بیانی کلیسا همان پری عیسی مسیح است که همه را در همه پر می‌سازد به قولی کلیسا همان تمامیت اوست. شاید این پرسش پیش آید که منظور از اینکه «کلیسا پری عیسی است» چیست؟ واقعیت این است که اینجا مترجم با مشکل مواجه است زیرا نمی‌توان عین نوشته‌ی پولس را ترجمه کرد. در زبان یونانی «پلرُما یا پلیرُما» با دو تلفظ مختلف است که «پری یا تمامیت» ترجمه شده ولی در اصل معانی مختلفی دارد.

زمانی که کلیسا به عنوان پاره‌ی تن مسیح معرفی می‌شود به این مفهوم است که کلیسا مسیح را کامل می‌کند. این اولین مفهوم دریافتی از آیه است که خود راز بزرگی است. به عبارتی مسیح یعنی خدا برای انجام هر کاری به کلیسا نیاز دارد. عیسی به کلیسای خود وابسته است، همان‌طور که سر برای انجام کارهای مختلف به بدن نیاز دارد. کارهایی هست که سر خود می‌تواند انجام دهد ولی سر برای بسیاری از کارها به بدن نیاز دارد. مسیح هر کاری را از طریق کلیسایی که از همان جنس کلام است، به انجام می‌رساند. این همان برگردان اصلی است که در آیه‌ی بالا عنوان شد.

خدا از طریق مسیح کلیسا را از وجود خود پر می‌سازد. برادر برانهام در تبیین این مسئله عبارت بسیار قوی را به کار برد که جا دارد در آن تأمل کرد. او گفت: «در کلام آمده که پری خدا در مسیح ساکن بود.» این یعنی هرچه در خدا بود به مسیح افزوده شد، از این رو هر آنچه در مسیح بود تماماً به کلیسا افزوده شد؛ نه در یک فرد بلکه در سراسر و کل بدن. آمین.

اگر مسیح بدون کلیسا کامل نیست پس ما هم بدون یکدیگر کامل نیستیم. اگر سر بدون بدن کامل نیست پس دست و پا هم بدون یکدیگر کامل نیستند. این رازی است که خداوند می‌خواهد به کلیسا منتقل کند. واژه‌ی «پلرُما» کاربرد دیگری هم داشت؛ زمانی که تمام خدمه کشتی سوار شده و بارها نیز بار می‌شدند، همه با هم «پلرُما» تشکیل می‌دادند یعنی آن پری

حاصل شده بود و کشتی آماده‌ی حرکت بود. اینجا هم خدا همه‌ی اعضای کلیسا را در کنار یکدیگر می‌بیند و در واقع آنها یک تیم را تشکیل می‌دهند. همان تیم برتری که با پیروزی مسیح بر دنیا چیره می‌شود. این تیم از فرد فرد اعضای کلیسا یعنی از اعضای بدن کلام تن گرفته‌ی خدا تشکیل شده است و آنها نمی‌توانند بدون یکدیگر اراده‌ی خدا را به شکل کامل به انجام برسانند. بنابراین تک تک اعضای بدن عیسی مسیح مهم هستند.

اینجا پولس از «همه» صحبت می‌کند؛ او همه را در همگان به انجام می‌رساند. او همه را در میان خادمان بزرگ به انجام نمی‌رساند، همه را از طریق پولس یا برادر برانهام به انجام نمی‌رساند بلکه همه را در همگان به انجام می‌رساند و این نکته‌ی مهمی است که روح‌القدس بر آن تأکید دارد. از دید برادر برانهام شخصی که کار نظافت کلیسا را انجام می‌داد در تحقق نقشه‌ی الهی به اندازه او در نظر خدا اهمیت داشت. زیرا در همان تیم برتر نقشی ایفا می‌کرد. در بدن خداوند عیسی مسیح سیاهی لشکر وجود ندارد. ولی چگونه این تیم برتر می‌تواند پیش برود؟ چگونه اعضای آن می‌توانند در چالش‌های خدمت‌های متفاوت سپرده شده، بدرخشند؟ ما در این جلسه به بررسی این موضوع می‌پردازیم.

در همین راستا دعای یوحنا باب ۱۷ (دعای کهنان‌تی) برای ما مفهوم تازه‌ای پیدا می‌کند. البته باید دقت داشت و با دید درست به آیه نگاه کرد. کلیسای ارتدوکس در این آیه مصداقی از تثلیث می‌بیند و می‌تواند در خصوص «همبودگی یا در هم تنیدگی» سخنرانی کند. ولی برای ما روشن است که اینجا شخص دوم تثلیث نزد شخص اول دعا نمی‌کند. یوحنا از ابتدا تأکید می‌کند که مسیح نزد خدای یکتای حقیقی دعا می‌کند که مبادا در ادامه افراد دچار سوء تفاهم شوند ولی بسیاری دوست دارند آیات را از وسط بخوانند و نتایج نادرستی از آنها استخراج کنند. اینجا خدای پسر از خدای پدر درخواست نمی‌کند، چنین چیزی وجود ندارد بلکه پسر نزد پدر، در پیشگاه خدای یکتا دعا کرده و می‌گوید: «من دعا می‌کنم تا همه یک شوند... و من در ایشان و تو در من تا در یگانگی کامل گردند تا جهان بدانند که تو مرا فرستادی.» اینجا مسیح

دعا می‌کند تا همه به آن یگانگی مدّ نظر خدا برسند و این چنین دنیا رسالتی که به او سپرده شده بود را بازبشناسد.

جایگاه کلیسا در جای‌های آسمانی در مسیح است. پولس خدا را شکر می‌کند زیرا ما در جای‌های آسمانی در مسیح هستیم ولی در کنار این اعتراف، عیسی مسیح از طریق کلیسای خود در زمین نیز حضور دارد به قولی کلیسا جایگاه حضور و تجلّی عیسی مسیح است. او به کلیسای خود وابسته است به خاطر همین مسیح برای بدن خود دعا کرد تا به واسطه‌ی اتحاد با او به جایگاهی که باید، برسد. اعضای بدن به برکت مشارکت با یکدیگر به آن کاملیت می‌رسند و این چنین بدن کامل می‌شود. چنانچه اجازه دهیم مسیح ظرفیت ما را پر کند، آنگاه هنگام مشارکت با هم، افراد دنیا با رسالت عیسی مسیح چنانکه باید آشنا می‌شوند.

موضوع این نیست که دنیا با رسالتی که خداوند به من سپرده، آشنا شوند. کلام راجع به این صحبت نمی‌کند، این دغدغه‌ی کلام نیست که رسالت من نوعی باید جهانی شود و همه باید مرا بشناسند. این دغدغه‌ی خاطر انسان است. مسیح راجع به چنین چیزی دعا نمی‌کند. مسیح دعا می‌کند تا دنیا با رسالتی که خدا به او سپرده، آشنا شود. خیلی اوقات دغدغه‌ی افراد این است که چطور خدمتشان به موفقیت برسد. این الزاماً منفی نیست، خوب است که ما نسبت به امانتی که خداوند به ما داده، غیرت داشته باشیم. بحث این است که نباید شمشون‌وار حرکت کرد؛ خوب زمانی که او در اوج بود فلسطینی‌ها شکست می‌خوردند و زمانی که در ضعف بود فلسطین دست برتری پیدا می‌کرد. در واقع پیروزی و شکست به شخص شمشون بستگی داشت. کلام بر رسالت کلیسا تأکید دارد بدین مفهوم که خدا در فضای مشارکت می‌تواند «همه» را یعنی «هرکاری» را در «همه» یعنی در «هرکس» به انجام برساند و این چنین مأموریت عظیم کلیسا به انجام می‌رسد.

خدا در فضایی که اجازه کار داشته باشد عمل می‌کند؛ در هر عضوی از بدن عیسی مسیح، باسواد یا بی‌سواد، بچه یا بزرگ. چنانچه گفتیم بدن در مشارکت کامل می‌شود. زمانی که خدا

در فضایی حضور دارد ضعیف‌ترین فرد در نبرد، درست مانند داود پادشاه وارد جنگ شده و دشمن نیرومندی چون جلیات را از پا درمی‌آورد. از این رو پولس چنین اعترافی بلند می‌کند که «قوّت هر چیز را دارم در مسیح که مرا تقویت می‌بخشد.» هر عضو از بدن عیسی مسیح باید بتواند این اعتراف را بلند کند. همه‌ی ما با هر جایگاه اجتماعی، با هر خدمتی که در کلیسا داریم، در هر شرایط و در مقابل هر چالشی، باید بتوانیم چنین شهادت دهیم که: «من به هر کاری توانا هستم در او که از درون مرا تقویت می‌کند.» پولس با وجود محدودیت‌هایی که داشت، پیش رفت و کار ملکوت خدا را به پیش برد. در واقع قدرت تام عیسی مسیح یعنی آن ظرفیتی که خدا در وجود فرد فرد ما قرار داده، در ضعف و محدودیت‌های ما تجلّی پیدا می‌کند. پولس اذعان داشت که هنگام ضعف توانا تر است و این تجلّی قدرت فیض عیسی مسیح است. این قدرت در مشارکت با خدا نمایان می‌شود، خدایی که همه را در همه به انجام می‌رساند.

هنگام خدمت عیسی مسیح عده‌ای او را همراهی می‌کردند، دسته‌ای از خواهران از طریق امکانات خود او را خدمت می‌کردند. دسته‌ای هم هنگام ورودش به شهرهای دیگر در خانه‌ی خود از او پذیرایی می‌کردند. تمام این افراد از فیض مشارکت با عیسی مسیح بهره‌مند می‌شدند. تمام این افراد به یکسان عضو آن تیم برتر بودند و از توانایی‌های برتر الهی برخوردار می‌شدند. این توانایی برتر می‌تواند جلوه‌های متفاوتی داشته باشد؛ به عنوان مثال دست کشیدن از امتیازات خود، خدمت کردن در کلیسا به شکل‌های گوناگون یا حتی انجام کارهای روزمره چه در خانه و چه در محل کار به شکل کامل و درست. در تمام این موارد می‌توان قدرت خدا را تجربه کرد.

کلام خدا می‌گوید ضعیف‌ترین چون داود خواهد بود. در زمان داود بنی‌اسرائیل به راحتی به فلز دسترسی نداشت چون فلسطینی‌ها از لحاظ تکنولوژی بنی‌اسرائیل را تحریم کرده بودند آنها باید با زحمت فراوان از جاهای مختلف فلز تهیه می‌کردند. و می‌بینیم که داود در همان

شرایط تنها با سنگ جاده جلیات را شکست داد. او هنگام تنگی از امکانات عادی برای عقب راندن دشمن استفاده کرد.

و امروز خدا قدرت عیسی مسیح را به کلیسا بخشیده است. خدا قادر است در همه کس، هر کاری را پیش ببرد حتی بزرگترین نبرد تاریخ را. فرقی نمی کند شخص خادم قدیمی کلیسا باشد یا یک بچه؛ برادر باشد یا خواهر. همه در مشارکت با هم می توانند هر کاری را انجام دهند. شهادت یک بچه دشمن را فراری خواهد داد، شهادت یک خواهر یا یک برادر دشمن را فراری خواهد داد و مسیح این چنین تمام فضاهایی که دشمن از آن خود کرده را کاملاً فتح می کند. کلیسا بدن عیسی مسیح است، بدین مفهوم که او خود در رأس آن است و بر آن سروری می کند. برنامه ی رستگاری خدا از طریق چنین کلیسایی پیش می رود.

مسیح خود را سراسر در بدن افاضه کرد نه در یک فرد بلکه در کل بدن. پولس در این آیات از مسیح که سر است، آغاز می کند و سپس به کلیسا می رسد و سرانجام به فرد فرد اعضای آن. مسیح در فرد فرد اعضای کلیسای خود یعنی در من و شما عمل می کند و به این ترتیب دشمن را عقب می راند. خداوند در ضعف من و شما عمل می کند و پیروزی می بخشد. خداوند در بیماری من و شما شفا را جاری و دشمن را ناکام می سازد. در کلیسای عیسی مسیح قدرت بی نهایت خدا قرار داده شده و امروز روزی است که مسیح می خواهد این قدرت از طریق تک تک اعضا بالفعل شود.

چنانچه به یاد داشته باشید چندی پیش در یکی از جلسات دعا گفتم که خدا قدرتی بس بزرگ در اختیار کلیسا قرار داده ولی نمی دانم چرا کلیسا نمی تواند این قدرت را چنانکه باید، به کار برد. این مسئله برای من بار ذهنی بود و در پی یافتن پاسخ آن بودم و امروز به فیض خدا می توانم بخشی از جواب را داشته باشم. خدا می خواهد این قدرت بی نهایت را از طریق فرد فرد اعضای کلیسا به ظهور برساند. و بر ماست که دعا کنیم تا افراد به رسالت و مأموریتی که مسیح به آنها سپرده یا برای آنها در نظر گرفته پی ببرند. باید دعا کنیم که همه ی برادران،



خواهران، پدران، مادران و فرزندان بتوانند به وظیفه‌ای که خدا به هر یک از آنها سپرده واقف شوند. همه باید دعا کنیم و خدا خود به ما نشان خواهد داد. مسیح در فرد فرد شما حضور دارد و از طریق شما آن امید پر جلال را نمایان می‌سازد.

خداوند به شما برکت دهد.